

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

## بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل

### بررسی کمیته فرانسوی مطالعات پیرامون خشونت وبزهکاری و توصیه‌های آن در زمینه سیاست جنایی

#### مقدمه

امنیت، مهار جرم و کنترل بزهکاران و به‌طور کلی، جنبه‌های گوناگون سیاست جنایی از جمله مقوله‌هایی است که هر نامزد ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس، شهرداری، شورای شهر،... در کشورهای غربی، به‌مناسبت فعالیت‌های انتخاباتی به‌آن می‌پردازد و برنامه‌های خود را در این زمینه‌ها به‌وضوح تنظیم و به‌اطلاع انتخاب‌کنندگان می‌رساند. شهروندان زیادی - از جمله سالمندان، بازنشستگان و زنان براساس همین معیار، نامزد آرمانی خود را برمی‌گزینند. مؤسسات خصوصی نظرسنجی (افکارسنجی) که در کنار ادارات دولتی نظرسنجی، به‌طور مستقل عمل می‌کنند، همواره احساس مردم را در زمینه‌های مختلف زندگی، از جمله «امنیت» جویا شده و ارزیابی می‌کنند و بدین ترتیب منتخبان همواره می‌توانند از طریق این مؤسسات بی‌طرف، در جریان رضایت یا نارضایتی انتخاب‌کنندگان و خواسته‌ها و نیازهای جدید آنان قرار بگیرند و بر مبنای اطلاعات جدید، سیاست‌گذاری نمایند.

بدین‌سان است که موضوع بزهکاری و عوامل افزایش اشکال آن و سیاست‌گذاری در زمینه کنترل جرایم در قالب و سطح گسترده‌تری از شیوه‌های پلیسی - قضایی معمول، مطرح و مورد بحث قرار می‌گیرد.

در اوایل سال ۱۹۷۶ نظرسنجیهای مختلف حکایت از آن داشت که مردم فرانسه از رشد بزهکاری و گسترش خشونت اجتماعی دل‌نگران هستند، احساس امنیت کمتری نسبت به گذشته می‌کنند و به‌همین جهت، کیفیت زندگی خود و فرزندانشان را در مخاطره می‌بینند. این احساس ناامنی مردم در مقابل رشد جرایم به‌دولت نیز منتقل گردید و آقای ژیسکار‌دستن که تازه دو سال از ریاست جمهوری او سپری شده‌بود، تصمیم گرفت با تاسیس کمیته مطالعاتی مستقل، موضوعات بزهکاری، خشونت‌های مجرمانه و راه‌های مهار این دو پدیده، مورد بررسی علمی قرار داده شود و این کمیته با بررسیهای خود به این پرسشهای اساسی پاسخ دهد: آیا بزهکاری و خشونت در فرانسه واقعاً در حال افزایش است یا رسانه‌های گروهی «احساس افزایش» آن را در میان مردم دامن می‌زنند؟ آیا امنیت شهروندان فرانسوی واقعاً در معرض تهدید بزهکاری است؟ اگر بله، چرا؟ و چگونه در مقام رفع این ناامنی برآییم؟

براساس همین ملاحظات بود که به ابتکار رئیس‌جمهور و به موجب تصویب‌نامه ۲۲ مارس ۱۹۷۶، «کمیته مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری» ایجاد شد و ریاست آن به آقای آلن پرفیت، اندیشمند و سیاستمدار فرانسوی، سپرده شد.<sup>۱</sup> و به‌همین جهت به «کمیته پرفیت» شهرت یافت. اعضاء این کمیته، علاوه بر رئیس، ده تن شخصیت علمی، دانشگاهی، قضایی، پلیسی، معماری متخصص در شهرسازی و توسعه شهری

۱- گفتنی است که آقای آلن پرفیت اندکی بعد از این انتصاب، به وزارت دادگستری فرانسه نیز منصوب شد و برای اجرای توصیه‌های کمیته مطالعاتی در سمت وزارت بین سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۸۱ تلاش‌های زیادی نمود. درخصوص دیدگاههای ایشان درباره سیاست جنایی رک:

NADJAFI ABRANDABADI (A.-H.), Alain Peyrefitte, Ministre de la Justice, 1977-1981, "L'etude de la Politique criminelle préconisée et poursuivie par le Garde des Sceaux" Mémoire du DEA d'Études politiques, L'université Paris II, 1982.

بودند که کار خود را از ۲۰ آوریل ۱۹۷۶ آغاز و در ماه ژوئیه ۱۹۷۷ - یعنی بعد از حدود پانزده ماه مطالعه، تحقیق و مشورت‌های گسترده - گزارش مأموریت خود را به رئیس‌جمهور ارائه نمودند.

کمیته در این مدت، نظرات و اظهارات پنجاه شخصیت را که به نوعی در زمینه تحقیق و مطالعه یا مقابله با بزهکاری دارای دانش و تجربه بودند جمع‌آوری و استماع نمود (شهرداران شهرهای بزرگ، شخصیت‌های فرانسوی و خارجی صاحب‌نظر، متخصصان حقوق جزا و جرم‌شناسی و شخصیت‌هایی که در این زمینه کار عملی می‌کنند از قبیل وکلاء، قضات، پلیس، مسئولان زندان...، کارمندان عالی‌رتبه و نمایندگان تشکلهای حرفه‌ای و سندیکاها). کمیته طی این مدت، شصت و پنج جلسه عمومی و هفت سمینار برگزار نمود، و به موازات فعالیت‌های خود در قالب جلسات عمومی، پنج گروه کاری تخصصی ایجاد کرد که هر گروه را دو تن از اعضاء کمیته اداره می‌نمودند. مأموریت هر یک از این گروه‌ها، مطالعه جنبه‌های مختلف بزهکاری بود:<sup>۱</sup>

- ۱- جنبه‌های روان‌شناختی و زیست‌شناختی خشونت؛
  - ۲- تأثیرات توسعه شهری، زیستگاه (بوم) و تغییرات فرهنگی؛
  - ۳- روابط بین خشونت و اقتصاد؛
  - ۴- حمایت از جوانان؛
  - ۵- مسأله بزهکاری در جنبه‌های کیفری و زندانها؛
- هریک از این گروه‌ها نتایج مطالعات و تحقیقات خود را به صورت یک گزارش خاص ارائه کردند.<sup>۲</sup> سپس کمیته مطالعات، با توجه به همین گزارش‌های پنج‌گانه، گزارش عمومی مأموریت مطالعاتی خود را پیرامون بزهکاری و خشونت تنظیم و

1- Cf Schmelck (Robert), Le "Rapport Peyrefitte" et ses suites, in Rev. Sc. Crim. no 3 1980 . pp . 573 et S.

2- Ré - ponses à la violence, Documentation Fransaise, Paris, Tome II , 1977.

تدوین نمود (الف)<sup>۱</sup> و متعاقب انتشار نتایج کار کمیته، اقدامهای مختلف و متنوعی به منظور اصلاح یا تقویت سیاست جنایی فرانسه آغاز شد (ب).

### الف: رئوس گزارش عمومی «کمیته مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری»

کمیته مطالعات در مدت مأموریت خود تلاش کرد تا با توجه به داده‌ها و آمارهای موجود در سال ۱۹۷۶، وضعیت افزایش بزهکاری و اشکال مختلف خشونت مجرمانه از یک سو، و ویژگیهای احساس عمومی ناامنی را از سوی دیگر، بررسی و نتایج آن را تنظیم و تدوین نماید. بنابر آمارهای جنایی، بزهکاری در سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ روی هم رفته دوبرابر شده است و جرایم شدید، رشد سریعتری را نشان می‌دهد. از سال ۱۹۷۱ به این سو، میزان افزایش بزهکاری از نرخ رشد جمعیت تجاوز کرده است. جرایم شدید سودجویانه (سرقت‌های مسلحانه از بانکها و مؤسسات اعتباری و کلاً سرقت‌های مقرون به اذیت و آزار و سرقت از منازل) بین سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۶ بیشترین میزان افزایش را به خود دیده است. از نظر جامعه‌شناختی، مطالعات کمیته نشان داد که اکثر جرایم، بعد مالی دارند و موضوعاتشان تملک اموال است، بزهکاری یک پدیده عمدتاً «مردانه و شهری است» و افراد ۱۶ تا ۳۰ ساله مرتکب آنها می‌شوند.

کمیته در مورد احساس ناامنی به این نتیجه رسید که احساس مزبور یک پدیده دوره‌ای است که به همین شکل در مقاطع مختلف تاریخ فرانسه مشاهده شده است. به موجب نظرسنجیهای انجام شده ۸۰٪ از شهروندان فرانسوی افزایش خشونت را به شدت احساس می‌کنند و اکثر آنان اعتقاد دارند که این پدیده در سالهای آینده تشدید نیز خواهد شد. همین نظرسنجیها، همزمان نشان دادند که برداشتهایی که افراد از خشونت دارند از تجربه شخصی آنان نیست، بلکه خشونت به عنوان یک امر بعید و به طور غیرمستقیم احساس می‌شود. این نوع برداشتها، حاصل تأثیر اخباری است که

1- Re - ponses a la violence (پاسخ‌های به خشونت)، Documentation Française, Paris. Tome I, 1977.

رسانه‌های گروهی منتشر می‌کنند. از این گذشته تحقیقات نشان می‌دهد، آن‌چه که بیشتر موجب دل‌نگرانی شهروندان می‌شود وقوع جنایات شدید نیست، بلکه جرایمی چون جیب‌زنی، سرقت از منازل، قاپ‌زنی، خشونت در مکانهای عمومی، همچون مترو است. بدین‌سان، کمیت نتیجه گرفت که بین جرایم آن‌طور که واقعاً به وقوع می‌پیوندند و خشونت احساس شده، فاصله وجود دارد. به عبارت دیگر احساس ناامنی با میزان جرایم ارتكابی رابطه ندارد.

از سوی دیگر، گزارش عمومی حاکی از آن است که بزهکاری تنها خاستگاه و منشأ احساس ناامنی نیست، رفتارهای زیاد دیگری که قانوناً ممنوع نیست نیز به احساس زندگی در محیطی پرخاشگرانه و خشن، کمک می‌کنند، یعنی در واقع، آن‌چه که لطمه نامشروع به آزادیها است، به‌عنوان نوعی خشونت تلقی شده که در اذهان مردم به سایر خشونت‌ها افزوده می‌شود.

کمیت به بررسی عوامل تشدید خشونت در جامعه فرانسه، تلاش کرد تا راهکارهایی را برای مهار آن بیابد. به‌موجب مطالعات کمیت، مهمترین عوامل خشونت‌زا عبارت بودند از:

- رابطه نزدیک بین خشونت و اخبار و اطلاعات؛ کثرت پیامها و خبرهای خشونت در رسانه‌های گروهی ممکن است منجر به «عادی و پیش‌پا افتاده شدن» اعمال خشونت‌آمیز در افکار مردم شود؛ به دیگر سخن، افراد بدین ترتیب به تدریج با خشونت خو می‌گیرند؛

- رابطه بین بزهکاری و جابه‌جایی جغرافیایی؛ یک جمعیت جابه‌جا شده بیشتر در معرض ارتكاب خشونت است؛

- سست شدن روابط خانوادگی و عدم ایفای نقش مربیگری بسیاری از والدین و فقدان گفتگو و تبادل نظر بین آنان و فرزندان‌شان؛

- تشویق عمل مصرف کردن و «مصرف‌گرایی» و تضعیف روابط اجتماعی مرتبط

با مصرف. اگرچه «مصرف» به عنوان ناقل ارزشها تلقی می‌شود، عمل خرید دیگر در تبادل رفتارها و رابطه اجتماعی بین مردم و فروشندگان نقشی ندارد.

(توسعه فروشگاههای بزرگ زنجیره‌ای و خریدهای «سلف‌سرویسی» به این پدیده دامن می‌زند)؛

- اگرچه بعضی انگیزشها، مانند انگیزه کسب پول، تحریک کننده است، لیکن بخشی از آنها، مانند ترس از مجازات، منصرف کننده و بازدارنده است. اما این ترس خود، به لحاظ يك سلسله احتمالات که همچون موانعی در مقابل اجرای مجازات عمل می‌کنند، کاهش یافته است: احتمال دستگیر، تعقیب و محکوم نشدن؛ و احتمال عدم اجرای حکم مجازات. از سوی دیگر، اشیاء و کالاهای جاذبه دار، فراوان و متنوع شده‌اند و به لحاظ پراکندگی این کالاها حفاظت از آنها به اندازه کافی تضمین نمی‌شود. «زرادخانه کیفری» و زندانها دیگر آن طور که باید، نیستند. بنابراین، به نظر کمیته عدم تعادل بین میل به تملك نامشروع اموال که سهل الحصول می‌نماید و کارآیی نظام کیفری، خود يك عامل قابل توجه بزهکاری است؛

- نیاز به برابری در میان شهروندان شدیداً در حال افزایش است؛ این عامل در توسعه خشونت در شرکتها و مؤسسات خدماتی و کارخانه‌ها نقش مهمی ایفاء می‌کند؛

- به نظر بسیاری از شهروندان، سازمان و تشکیلات اجتماعی، نسبت به بعضی نابرابریهایی که در پرتو مهارت و زیرکیهای مجرمانه به دست آمده است، با گذشت و اغماض عمل می‌کند. این وضعیت، وسوسه زیر سؤال بردن نظم اخلاقی و حقوقی موجود را نزد بعضیها ایجاد کرده یا تقویت می‌کند؛

- رابطه قابل توجهی بین خشونت و انواع توسعه شهری و شهرنشینی وجود دارد. تراکم جمعیت، ناامنی را زیاد می‌کند و باعث افزایش نرخ بزهکاری می‌شود؛ - سه عنصری که قبلاً شاخص جامعه محسوب می‌شده و موانعی در مقابل

خشونت بوده‌است، یعنی شدت روابط اجتماعی، اعتدال در خواسته‌ها و امیال و سلوک اخلاقی پذیرفته شده به وسیله عموم مردم، دستخوش دگرگونی شده‌است. تنهایی، انزوا، بی‌نام و نشانی و بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی که عوامل مساعدکننده زمینه بروز خشونت هستند، جای استمرار روابط اجتماعی را گرفته‌است؛

- خشونت در بعضی موارد جای گفتگو و تبادل نظر (دیالوگ) را گرفته‌است، خشونت، گاه در معنای اظهار وجود و «بودن» ابراز می‌شود. علت آن است که بعضی ساختارهای سنتی که قبلاً زمینه گفتگو را فراهم می‌کرده‌است، کنار گذاشته شده‌است؛ - خشونت ممکن است از غیرقابل درک بودن و کثرت مقررات و هنجارهای اجتماعی ناشی شود. گسترش و افزایش بی‌رویه مقررات قانونی و اجرایی (تورم قوانین و مقررات) باعث سردرگم شدن شهروندان، حتی حقوقدانان، می‌گردد. این خود برای شهروندان یک نوع «خشونت انفعالی» از ناحیه ادارات و دستگاههای دولتی محسوب می‌شود؛

- در زمینه پیشگیری از جرم، مطالعات کمیته به این نتیجه دست یافت که این امر روی هم رفته به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌است، و به دلیل عدم وجود ارتباط بین واحدها و مراجع مختلف مسئول پیشگیری از جرم، هماهنگی کافی نیز در این زمینه صورت نگرفته‌است. مثلاً در مورد نقش پلیس در زمینه پیشگیری، مطالعات نشان داده‌است که استقرار نیروهای پلیس در حاشیه شهرهای بزرگ و نیز تعداد مأموران پلیس قضایی کافی نیست.

- در مورد سیاست کیفری (یعنی مفهوم مضیق سیاست جنایی) همین قدر اشاره کنیم که نظرسنجیهای انجام شده نشان می‌دهد که تصویر عدالت کیفری در افکار عمومی (یعنی تصور مردم از نظام کیفری) مطلوب نیست. اکثریت قابل توجه شهروندان فرانسوی معتقدند که دستگاه عدالت کیفری آنان را به اندازه کافی در مقابل بزهکاران حمایت و حفاظت نمی‌کند. وجود این احساس خود سبب بروز تمایلات دفاع از خود و تأمین شخصی امنیت خود در میان مردم می‌گردد.

کمیته بعد از بررسی علل و عوامل خشونت و بزهکاری، راهکارهای متنوع و متعددی را در قالب صدوپنج توصیه<sup>۱</sup> برای مهار این دو پدیده ارائه نمود که همه آنها به سیاست جنایی به معنای مضیق آن مربوط نمی‌شد، بلکه به نقش و سهمی که بخشهای مختلف عمومی باید در تنظیم و اجرای سیاست پیشگیری داشته باشند اشاره می‌کند. این توصیه‌ها، همان‌گونه که خواهیم دید، مقوله‌های تکمیل آمارهای جنایی و کیفری و تحقیقات جرم‌شناسی و نیز شیوه‌های مختلف توسعه شهرها و فرهنگ‌سازی برای شهرهای جدید، حمایت از خانواده و جوانان، مبارزه علیه اعتیاد و می‌بارگی (می‌گساری) و نقش رسانه‌های گروهی را مورد توجه قرار می‌دهند.

نتایج کار کمیته مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری به وسیله رئیس آن، یعنی آقای آلن پرفیت که در این فاصله - همان‌طور که اشاره کردیم - به وزارت دادگستری منصوب شده بود، در جلسه ۲۷ دسامبر ۱۹۷۷ هیأت وزیران مطرح و مورد بحث واقع شد. در همین جلسه آقای ژیسکار دستن از مسئولان مختلف نهادهای دولتی، به‌طور کلی از بخش عمومی، خواست تا توصیه‌های کمیته را هرچه سریع‌تر به تدابیر و اقدامهای عملی تبدیل نمایند.

**ب: نتایج کار «کمیته مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری» و اجرای**

### توصیه‌های آن

به دنبال انتشار نتایج مطالعات کمیته، به موجب تصویب‌نامه ۳ اکتبر ۱۹۷۷ کمیته‌یی با عنوان «کمیته اعمال مفاد گزارش پیرامون خشونت و بزهکاری» ایجاد گردید که مأموریت اصلی آن، مطالعه و پیشنهاد تدابیر خاص برای عملی ساختن صدوپنج توصیه در یک مهلت سه ماهه بود.

از جمله اقدامهای مهمی که به منظور کاهش تنشهای خشونت‌زا و پیشگیری از ارتکاب جرم اتخاذ شده و در توصیه‌ها قید شده بود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- برای اطلاع از این توصیه‌ها رک: پیوست این نوشتار.



- تدوین منشور کیفیت زندگی به منظور انسانی کردن امر توسعه شهرها و شهرنشینی و مبارزه علیه «کلان‌سازی» بناها در کلیه اشکال آن و جدا کردن شهروندان از هم؛

- اصلاح نظام آموزشی - پرورشی؛

- گسترش انجمنهای مردمی و پیشبرد ورزش در سطح توده مردم؛

- اصلاحات اداری به منظور بهبود بخشیدن به روابط بین ادارات عمومی و شهروندان؛

- ایجاد تسهیلات برای مراجعین به دادگستری از طریق رایگان کردن اقدامهای قانونی در دادگاههای حقوقی؛

- ایجاد نهاد سازش و مصالحه به این منظور که اختلافهای کوچک روزانه به دعوای قضایی و حتی خشونت تبدیل نشود؛

- اتخاذ تدابیر در سطح وسایل نوین ارتباط جمعی، به منظور جلوگیری از اشاعه خشونت و محدود کردن برنامه‌های خشونت‌آمیز در شبکه‌های تلویزیونی؛

براساس توصیه کمیته مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری، کمیته دیگری که در واقع ادامه‌دهنده کار کمیته مطالعات محسوب می‌شود، به موجب تصویب‌نامه ۲۸ فوریه ۱۹۷۸ به نام «کمیته ملی پیشگیری از خشونت و بزهکاری» با ریاست نخست‌وزیر، یا به نمایندگی از طرف او، وزیر دادگستری و با معاونت دادستان دیوان‌کشور به منظور تأمل و مطالعه مستمر درباره بزهکاری و شیوه‌های مهار آن تأسیس شد و عملاً از ژوئیه همان سال با شعبه‌هایی در سطح استانها آغاز به کار نمود. اعضای آن به تعداد بیست نفر از بین قضات، نمایندگان مجلس ملی، سنا، شورای قانون اساسی، اندیشمندان و متخصصان برای مدت سه سال تعیین شدند.

براساس این تصویب‌نامه وظایف کمیته عبارت بود از:

– تضمین مستمر شناخت و آگاهی از پدیده‌های خشونت و اشکال مختلف بزهکاری در فرانسه؛

– ارائه خدمات مشاوره‌ای به دولت د ر امر پیشگیری از خشونت مجرمانه در کلیه اشکال آن؛

– کمک به آگاه و مطلع کردن افکار عمومی در زمینه بزهکاری

کمیته‌های پیشگیری از خشونت و بزهکاری در سطح استانها موظف شدند که پدیده‌های خشونت و بزهکاری و تصور و برداشت مردم از آنها را در حوزه خود مطالعه نموده و راهکارهای منطبق با شرایط محلی را نیز بررسی و ابتکارهای محلی‌مردمی را در زمینه پیشگیری ترغیب و تشویق و پیشنهادات کمیته ملی را با واقعیت‌های استان سازگار نمایند. ریاست کمیته استان با استاندار بود و اعضاء آن که بالغ بر حدود بیست نفر بوده‌اند از میان قضات، منتخبان محلی (مثلاً شهردار یا نمایندگان مجلس)، پلیس و ادارات ذینفع و شخصیت‌های علمی انتخاب می‌شدند.

با پیروزی آقای میتران، نامزد حزب سوسیالیست، در انتخابات ریاست جمهوری – ماه مه ۱۹۸۱ – در ساختار کمیته ملی و کمیته‌های استان تغییراتی ایجاد شد<sup>۱</sup> و به‌موجب تصویب‌نامه ۸ ژوئن ۱۹۸۳ «شورای ملی پیشگیری از بزهکاری»، «شورای پیشگیری از بزهکاری استان» و «شورای پیشگیری از بزهکاری بخش» تأسیس شده و به‌جای دو کمیته قبلی آغاز به‌کار نمودند.<sup>۲</sup> ریاست شورای ملی با نخست‌وزیر بود و

۱- گفتنی که در تاریخ ۲۸ مه ۱۹۸۲، بنا بر تصمیم نخست‌وزیر وقت فرانسه، «کمیسیون شهرداران درباره امنیت» تشکیل گردید. این کمیسیون موظف بود که پنج سال پس از کمیته مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری، دوباره در مورد عوامل بزهکاری و علل استمرار و گسترش احساس ناامنی در میان شهروندان مطالعه و تحقیق نماید. تأسیس شورای ملی پیشگیری از بزهکاری، شورای پیشگیری از بزهکاری استان و شورای پیشگیری از بزهکاری بخش از جمله توصیه‌های این کمیسیون بود. از آن‌جا که ریاست کمیسیون به آقای بُن‌مزن، نماینده مجلس ملی فرانسه، سپرده شده‌بود، لذا به «کمیسیون بُن‌مزن» نیز مشهور گشت. ما در نوشته‌ی دیگر مطالعات و توصیه‌های این کمیسیون در زمینه بزهکاری و سیاست جنایی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲- درخصوص این شوراها رنک، لازرژ (کریستین)، سیاست جنایی، ترجمه نجفی ابرندآبادی، انتشارات یلدا، ۱۳۷۵، ص ۱۲۲ و بعد؛ گسن (ریموند)، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، ناشر: مترجم، ۱۳۷۰، ص ۱۲۸.

اعضاء آن از پنج نماینده مجلس، سی و پنج شهردار و بیست و پنج شخصیت علمی سیاسی و اجتماعی تشکیل می‌شد. این کمیته دارای چهار بخش «زندگی اجتماعی»، «آموزش»، «پلیس‌دادگستری» و «تحقیقات و ارتباطات» بود. ریاست شورای استان با استاندار و شورای بخش با شهردار بود.

پنج سال پس از تأسیس این شوراها، دولت در یک بازنگری جدید، طی تصویب‌نامه ۲۰ اکتبر ۱۹۸۸، «شورای ملی شهرها و توسعه اجتماعی شهری» را با ریاست نخست‌وزیر تأسیس نمود و کلیه وظایف شورای ملی پیشگیری از بزهکاری را به شورای جدیدالتأسیس که مسئول تعیین سیاست ملی شهرها و پیگیری اجرای آن نیز بود، محول نمود.<sup>۱</sup>

در اجرای توصیه‌های دیگر کمیته مطالعات، دولت تصمیم گرفت که از سال ۱۹۷۸، طی پنج سال تعداد مأمورانی که به نوعی در تأمین آسایش و امنیت عمومی مسئولیت دارند به ده‌هزار نفر افزایش داده شود و مراقبت و نظارت تأمینی در بعضی نواحی حساس از نظر بزهکاری و انحراف تقویت گردد:

وزارت آموزش و پرورش، به‌منظور شناساندن بهتر اهداف و طرز کار نهادهای قضایی، اطلاعات اولیه‌ی راجع به امور قضایی در برنامه‌های درسی مدارس گنجانید؛ در زمینه همکاری بین‌المللی برای مقابله با جرم، کنوانسیون معاضدت قضایی بین اعضای جامعه مشترک اروپا در دوبلین به تصویب و امضاء رسید؛ کمیته در مورد سیاست کیفری اعتقاد داشت که باید با حفظ اصول انسانی و فردی کردن نظام کیفری و مجازات، نحوه برخورد با مباشران جرایم مهم و مباشران جرایم کم‌اهمیت جنبه افتراقی به‌خود گیرد. در این چارچوب، کیفرهای جدیدی به‌عنوان جایگزین کیفرهای سالب آزادی کوتاه‌مدت پیش‌بینی گردید و کیفر نقدی برحسب دارایی و توانایی بزهکار

۱- در این خصوص راجع به Borricand (Jacques) , Espace urbain et prévention de la délinquance, in Rev . Sc . Crim . no 4, 1991 . p . 624 et s

تعدیل شد؛ برای زندانیان اعطای نوعی مرخصی دوره‌بی در نظر گرفته شد؛ سازمان زندانها برای مجرمان خطرناک «بندهای امنیتی ویژه» ایجاد نمود؛ قانونگذار برای این قبیل زندانیان، «دوره تأمینی» پیش‌بینی کرد که طی آن، علی‌الاصول نمی‌توانند از مزایایی چون آزادی مشروط، مرخصی، تقسیم مدت حبس در زمان، نیمه‌آزادی و نگهداری در خارج از زندان بهره‌مند شوند؛ در اختیارات قاضی مسئول اجرای مجازاتها تجدیدنظر گردید، امر بازنگری و اصلاح اساسی قانون جزا و قانون آیین دادرسی کیفری که به لحاظ تحولات همه‌جانبه در جامعه فرانسه، حیاتی می‌نمود، تسریع شد و مطالعات چند مبنایی و چندبُعدی کمیسیونهای مسئول بازنگری منجر به تصویب قانون جزای جدید در ژوئیه ۱۹۹۲<sup>۱</sup> و اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۹۹۳ گردید.

بدین ترتیب، تدابیر و اقدامهایی که براساس نتایج مطالعات و تحقیقات کمیته اتخاذ و اعمال شد هم جنبه کیفری داشت و هم جنبه پیشگیرانه، به عبارت دیگر، سیاست جنایی آرمانی کمیته برای فرانسه در بُعد وسیعتر از «مجازات و نظام کیفری صرف» پیشنهاد شد. برای کاهش خشونت مجرمانه، اقدامهای پیشگیرانه هماهنگ شده نیز از سوی بخشهای مختلف جامعه توصیه شد. یعنی علاوه بر بخشهای عمومی، از مردم و تشکلهای مردمی نیز دعوت شد تا در حمایت از ارزشهای اساسی جامعه در مقابل تعرضات مجرمانه مشارکت نمایند.<sup>۲</sup> و با این توصیه موضوع گسترش سیاست جنایی مشارکتی در فرانسه مطرح گردید.

## نتیجه

بررسیهای «کمیته مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری» که برای نخستین بار

۱- در این خصوص رک: کوشا (دکتر جعفر) و شاملو (باقر)، نوآوری در قانون جزای جدید فرانسه، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸ - ۱۹، ۱۳۷۶؛ فرج‌اللهی (رضا)، بررسی تحولات جزای فرانسه در قانون اخیر، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۱۷ - ۱۸، ۱۳۷۵.

۲- لازرژ (کریستین)، منبع پیشین.

به ابتکار دولت فرانسه تأسیس شد بیانگر آن بود که تدابیر سنتی پلیسی - قضایی در قبال بزهکاری، دیگر کافی و مؤثر نیست و به همین جهت پیشگیری از بزهکاری باید در برنامه‌های عمومی دولت، یعنی در بالاترین سطح، و در اقدامهای ادارات و مراجع مختلف و تشکلهای مردمی مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، تدوین و تنظیم اجرای يك سیاست جنایی کارا و مؤثر باید با هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف عمومی همراه با مشارکت لایه دیگر جامعه، یعنی مردم، صورت گیرد و همزمان با تقویت و روزآمد کردن گرایش کیفری و گرایش پیشگیری<sup>۱</sup> سیاست جنایی تجهیز و تقویت گردد. پیشگیری از بزهکاری در اشکال مختلف آن مورد توجه قرار گرفته است. پیشگیری عمومی از جمله در توصیه‌های شماره ۸۰ و بعد و توصیه‌های شماره ۹۰ و بعد، پیشگیری خاص در توصیه‌های شماره ۹۹ و بعد، پیشگیری اجتماعی از جمله در توصیه‌های شماره ۱۱ و بعد، توصیه‌های شماره ۳۸ و بعد، توصیه‌های شماره ۴۱ و بعد و توصیه‌های شماره ۴۵ و بعد، و بالاخره پیشگیری وضعی از جمله در توصیه‌های شماره ۷۸ تا ۷۹. بدین ترتیب، کمیته يك سیاست جنایی علمی - یعنی مبتنی بر یافته‌های تحقیقات چند مبنایی در زمینه جرم و مجازات - و پویا - یعنی متحول، به موازات تحولات در میزان بزهکاری و بزهکاران - را برای «جامعه متحول» فرانسه تجویز می‌کند. برای اینکه چنین توصیه‌یی جامعه عمل به خود پوشد، کمیته، تأسیس يك نهاد دایمی را که مسئول بررسی مستمر جنبه‌های مختلف بزهکاری و ارائه راهکارهای منطبق با تحولات آن باشد، پیشنهاد کرده است که ایجاد چنین نهادی خود از نوآوری‌های بسیار مهم در فرانسه در زمینه کنترل جرم محسوب می‌شود.

جهت‌گیری بسیاری از توصیه‌ها و تنوع پیشنهادها حاکی از این اعتقاد کمیته مطالعات است که برای کاهش احساس ناامنی شهروندان، توجه جدی به کیفیت مادی و

۱- در این خصوص رک: گسن (ریموند)، همان منبع؛ گسن (ریموند)، روابط بین پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی شماره‌های ۱۹ - ۲۰، ۱۳۷۶.

معنوی زندگی مردم، بهبود رفتار ادارات و مراجع عمومی با شهروندان، آسان‌سازی زندگی روزانه و متنوع کردن اوقات فراغت مردم، تضمین آینده شغلی جوانان، تحدید دامنه و موارد مداخله دولت - به‌ویژه پلیس - در زندگی افراد، ... در کنار کنترل بزهکاری امری بسیار ضروری است. احساس عدم امنیت لزوماً ناشی از خشونت‌های مجرمانه نیست، بلکه حاصل ناملايمات ديگر زندگی در جامعه نیز می‌باشد. رفع این ناملايمات در تحقق امید و احساس امنیت و آسایش در میان مردم که بستر بروز خلاقیتها و ابتکارها و در نهایت پیشرفت جامعه است، بسیار مؤثر خواهد بود.

### پیوست

متن صدوپنچ توصیه<sup>۱</sup> «کمیته مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری» در  
زمینه سیاست جنایی فرانسه

#### در زمینه آمار:

توصیه شماره ۱- ایجاد و تضمین هماهنگی بین آمارهای [کیفری] قضایی و آمارهای [جنایی] وزارت کشور (پلیس قضایی)، به منظور استفاده ترکیبی از آنها.

توصیه شماره ۲- عناوینی که برای تهیه و تنظیم آمارهای قضایی به کار می‌رود، باید متنوع شود، به گونه‌یی که احصاء و بررسی اعمال مجرمانه در داخل هر وصف قانونی، با توجه به بارزترین ویژگیهای هر واقعه، صورت گیرد (به‌ویژه، خصوصیات مربوط به شدت و شیوه‌های ارتکاب جرایم).

توصیه شماره ۳- آمارهای مربوط به بزهکاری اطفال و مددکاری تربیتی، طبق یک دوره زمانی، منظمتر و سریعتر چاپ و منتشر شود.

1- Cf. Réponses à la Violence, op. cit., Tome I, PP. 177-219.

مطالبی که در درون قلاب (کروشه) آمده است از آن مترجم است. م

**توصیه شماره ۴-** به منظور افزایش اعتبار آمارهای قضایی و امکان استفاده علمی از آنها، ایجاد یک سیستم احصاء جرایم در سطح دادسراها، براساس یک داده و پایه که در آینده تکمیل خواهد شد، بررسی و مطالعه شود. در این سیستم، باید اقدامات بعدی که درباره جرایم ارتكابی صورت می‌گیرد، و نیز، اطلاعاتی راجع به اشخاص متهم (سن، جنس، گروه اجتماعی - شغلی، تابعیت) ذکر شود. هرچند در سالهای گذشته، مطالعه و بررسی چنین سیستمی، غیرممکن بود، لیکن به نظر می‌رسد که اکنون، با استفاده از دستگاههای الکترونیکی [رایانه] امکان راه‌اندازی و سازماندهی این سیستم، وجود داشته باشد.

**توصیه شماره ۵-** آمارهای قضایی باید، با شمارش [و تنظیم] جداگانه جرایم ارتكابی به وسیله بیماران روانی، تکمیل و در واقع تفصیلی‌تر شود.

### در زمینه تحقیقات:

**توصیه شماره ۶-** ادامه تحقیقات درباره بهای جرم:

تحقیقات ممکن است، عنصر و رکن ارزنده‌ی راه، برای تجزیه و تحلیل فرآیندهای کیفری و اندازه‌گیری غیرمستقیم اعمال واقعی قانون، تشکیل دهد. بهتر است این تحقیقات، در دو جهت پیگیری شود:

\* - مطالعات کلی راجع به بودجه، این اجازه را به ما می‌دهد، تا همواره فهرست و راهنمایی اقتصادی، در زمینه نظام کیفری، در اختیار داشته باشیم و به‌طور منظم اطلاعاتی درباره موارد زیر نیز در دست داشته باشیم:

- تأثیر بر داراییها (بودجه عمومی)،
- بهایی که بزه‌دیدگان می‌پردازند،
- تقویم بها در قالب بودجه کل کشور،

- تقویم سودهای ناشی از بزهکاری [مجموعه جنایات و جنحه‌ها]

\* - مطالعات بها، برحسب مسیرهای مختلفی که در خلال فرآیند کیفری طی می‌شود؛ ارزیابی و مطالعه این موضوع که دادگستری برای انواع پرونده‌های ارجاعی، زمان و امکانات بسیار متفاوتی اختصاص می‌دهد و نیز تعیین این که در مورد پرونده‌های ارجاعی، چه نوع مسیرهایی انتخاب و اعمال می‌شود، مهم است.

**توصیه شماره ۷-** سهم اعتبارات تخصیص داده شده به مطالعات درباره خشونت<sup>۱</sup>، جنایات<sup>۲</sup> و جنحه‌ها<sup>۳</sup> در بودجه خاص تحقیقات، مجدداً مورد ارزیابی قرارگیرد و به موازات آن، سهم و جایگاهی که نهادهای مختلف موجود باید در این مورد داشته‌باشند نیز مشخص شود.

**توصیه شماره ۸-** هماهنگ کردن این پژوهشها باید به هیأت کل «پژوهش علمی و فنی» که يك نهاد مناسب برای این امر به نظر می‌رسد، واگذار شود. تعیین جهت‌گیریها و اولویتهای پژوهشی به‌عهده «کمیته ملی پیشگیری» که تأسیس آن در جای دیگری پیشنهاد شده‌است<sup>۴</sup>، محول خواهدشد.

**توصیه شماره ۹-** به پژوهشهای جامعه‌شناختی و کیفرشناختی، حرکت و شتاب بیشتری داده شود. تمرکز اعتبارات تخصیص یافته برای تحقیقات، از پراکندگی زیان‌آور وجوه مربوط که امروزه وجود دارد، جلوگیری خواهدنمود. برای این کار می‌توان گروههای منسجمی را ایجاد و سازماندهی کرد. تشکیل این گروهها اجازه خواهد داد تا از برخورد سنتی و غیرعلمی با موضوع جلوگیری شود.

**توصیه شماره ۱۰-** حمایت از پژوهشهای پزشکی - روان‌شناختی در اولویت قرارگیرد:

\* توسعه و گسترش تحقیقات پزشکی - روان‌شناختی باید بر پایه مشارکت چندبُعدی علوم روان‌شناختی و زیست‌شناختی استوار شود؛

۱- la violence.

۲- la criminalité منظور در این جا، مجموع جنایات است. م.

۳- la délinquance منظور در این جا، مجموع جنحه‌ها است. م.

۴- ر.ک: توصیه‌های شماره ۱۰۴ و ۱۰۵. م.



\* انجام مطالعات روان‌شناسی فردی و جمعی درباره رفتارهای خشونت‌آمیز باید مورد تشویق قرار گیرد؛

\* همچنین باید تحقیق شود که پیشرفتهای علوم پایه در تجزیه و تحلیل رفتارهای پرخاشگرانه یا منحرفانه تا چه اندازه قابل انتقال به انسان و قابل استفاده در جرم‌شناسی است؛

\* بررسی سهم هنجاری و آسیبی بودن رفتارهای پرخاشگرانه می‌تواند بر اطلاعات حاصل از بررسی موردهای فردی (افراد) - از جمله موارد کارشناسی - مبتنی باشد. مطالعه کارآیی انواع گوناگون درمان پزشکی - روان‌شناختی و امکان اعمال آنها نیز نیاز به پژوهشهای تطبیقی دارد.

### در زمینه شهرسازی و گسترش شهرها:

**توصیه شماره ۱۱-** از پراکندگی نامنظم ساخت و سازها در حاشیه شهرها که به محیط زیست طبیعی شدیداً خدشه وارد می‌کند، خودداری شود. برای این منظور، لازم است که شهرداریها در شهرهای بیش از سی هزار سکنه محدوده‌های متوالی توسعه‌ی مهار شده را مشخص کنند.

برای تحقق بخشیدن به حدّ و مرزهایی که بدین ترتیب تعیین و ترسیم می‌شود، «کمربندهای سبز» به صورت مناطق جنگلی یا درختکاری شده، باید حفظ شود. هرکدام از این کمربندهای سبز برای یک دوره زمانی، فضای شهری را مشخص می‌کند. لیکن رشد و افزایش جمعیت ممکن است منجر به درهم ریختن (انفجار) فضا و محدوده اولیه گردد. به این ترتیب، یک محدوده جدید ایجاد خواهد شد. در این صورت، باید فضاهای سبز وسیعی در بطن آن، ایجاد و نگهداری شود تا شهرک یا شهر بتواند از آن‌جا «نفس» بکشد.

**توصیه شماره ۱۲-** پیشبرد سیاستی که به شهرها اجازه دهد تا جمعیت آنها از

حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر سکنه - در صورتی که هنوز به این رقم دست نیافته‌اند - تجاوز نکنند، زیرا تحقیقات پژوهشگران نشان می‌دهد - که رشد بزهکاری در آن دسته از شهرهایی که بیش از این رقم جمعیت دارند به‌طور قابل ملاحظه‌ای آهنگ سریعی به‌خود می‌گیرد.

کمیت لازم به تأکید می‌داند که این اقدام و تدبیر، همانند اقدام مندرج در توصیه شماره ۱۱، با ایجاد نهادهای همکاری بین شهرها، به‌منظور انجام کلیه وظایفی که وجود آنها را ضروری می‌نماید، در سطح وسیعی تسهیل خواهد شد.

**توصیه شماره ۱۳-** برای اجتناب از این‌که شهر از این چارچوب تجاوز نکند، لازم است که فضاهای شهر پراکنده شود. بنابراین مناسب است که دور و اطراف بخشهای همجوار، شهرهای اقماری بی که به‌وسیله کمربندهای سبز از «مادرشهر» یا «شهر اصلی» جدا شده‌باشد، ایجاد شود.

**توصیه شماره ۱۴-** در این چشم‌اندازها، اتخاذ اقدامات و تدابیر ویژه‌یی که نگهداری و بایر نگهداشتن زمینهای قابل ساخت و ساز را پُر هزینه نماید، در دست مطالعه قرار گیرد و بدین طریق با سوداگری و زمین‌بازی مبارزه شود.

**توصیه شماره ۱۵-** کاهش اندازه ساختمانها (ارتفاع ساختمانها و عریض بودن نماها) و حفظ آن در مقیاس شهرهای مربوط، زیرا در چنین ساختمانهایی تعادل زندگی شهری متمایل به تشدید است.

**توصیه شماره ۱۶-** در همین راستا، ساخت خانه‌های فردی تسهیل شود، هرچند که نیاز به زیربنای جمعی بیشتری دارند. وجود فضای بیشتر، صرفه‌جویی در تجهیزات (راه‌های ارتباطی شبکه‌های مختلف) و تراکمهای مشابه با تراکمهای ساختمانهای جمعی با اندازه متوسط، مزایایی است که در چسبیده بودن این خانه‌ها به همدیگر وجود دارد.

**توصیه شماره ۱۷-** برای رفع انزوای ساکنان اولیه، یک استراتژی ساخت

شهرهای جدید اعمال شود. این شهرها باید با هسته‌های پی‌درپی (محل‌های از پنج تا ده‌هزار نفر سکنه) طوری ساخته شوند که بتوانند به استقلال نسبی (مراکز تجاری، تجهیزات و خدمات عمومی) نزدیک باشند و به تدریج به یکدیگر افزوده شوند.

**توصیه شماره ۱۸-** در همین جهت برای ایجاد مجدد مفهوم و روح محله، شهرهای موجود بازسازی شوند. محله‌ها، که بدین ترتیب دوباره به واقعیت‌های مستقل و اصیل تبدیل می‌شوند تبادل و روح همبستگی و یکپارچگی را تسهیل خواهند کرد و بدین ترتیب میزان تنش‌های موجود را نیز کاهش خواهند داد.

**توصیه شماره ۱۹-** تشویق ساکنان به خودمانی کردن محله خود، و فراهم کردن این امکان برای شهرداری‌ها که بتوانند بعضی تجهیزات عمومی و ارکان اداری و تشکیلات خود را غیرمتمرکز نمایند (معاونتها، شهرداری‌های ضمیمه، کمیته‌های محله، خانه محله).

**توصیه شماره ۲۰-** تجهیز محله به فعالیتهای متنوع. برخلاف بعضی عقاید پیشداورانه، کمیته مطالعاتی معتقد است که یک محله باید وظایف و رسالت‌های مختلفی داشته‌باشد. گستردگی این رسالتها و مکمل یکدیگر بودن آنها تحرك و جنب‌وجوش مدام کوچه‌ها و خیابانها را تسهیل می‌کند، و از این طریق، به نوعی، به کنترل اجتماعی خشونت کمک نموده سبب کاهش تنشها (در محله) نیز می‌شود.

**توصیه شماره ۲۱-** تشویق زندگی اجتماعی (و انجمنها) با کمک‌های شهرداری و با دراختیار قرار دادن مکانها یا فضا‌های آزادی که انجمنها، خود تنظیم و ترتیب آنها را انجام دهند.

**توصیه شماره ۲۲-** اجتناب از تفکیک محله‌ها برحسب سن، درآمد و فرهنگ، از طریق توسعه سیستم «کمک به شخص»، تنوع دادن به اندازه خانه‌ها (آپارتمانها) در داخل ساختمان و اعتبار بخشیدن به آورده‌های فرهنگی خاص.

**توصیه شماره ۲۳-** تبدیل شهر از چهارراه تنهایی به نقطه ملاقات میان

ساکنان آن. از این جهت، شایسته است کوچه‌ها و میدانها، که به وجودآورنده زندگی، گرما و شور و شوق انسانی است، نوسازی شوند و زمینه توسعه محلهای خاص عابران پیاده تسهیل گردد. ساخت بزرگراه‌هایی که فضاهای شهر را تقسیم و از هم جدا می‌کند باید منع شود.

**توصیه شماره ۲۴-** در همین چارچوب، تسهیل در امر ایجاد تجهیزات مختصر، همچون فضاهای بازی یا زمینهای کار، که اجازه فعالیتها و ابتکارهای بسیار متنوع را بدهد.

**توصیه شماره ۲۵-** برای همین هدفها تعداد پیستهای دوچرخه‌رانی گسترش داده شود؛ زمینهای مجهز برای ورزش موتورسیکلت‌رانی در کنار شهرها نیز ایجاد شود.

**توصیه شماره ۲۶-** در طرح و نقشه ساختمانها، امکان تغییرات داخلی پیش‌بینی شود تا به صاحب خانه اجازه دهد تا آنجا که ممکن است خانه یا آپارتمان خود را شخصی و مطابق سلیقه خود بنا کند، و اوقات فراغت خویش را صرف «خرده‌کاری» شخصی [ورتنق و فتنق امور خانه و زندگی داخلی خود] نماید.

**توصیه شماره ۲۷-** گسترش نارسانا (عایق) کردن صوتی ساختمانهای مسکونی و کارگاهها باید به یک قاعده تبدیل شود؛ زیرا تنشهایی که از سروصدا به وجود می‌آید، عوامل خشونت هستند.

شایسته است اجرای قانون راجع به [کنترل] سروصداهاى مختلف (آلودگی صوتی) تقویت شود. از سوی دیگر، تعدادی از ساختمانهای موجود با مقررات کنونی، در مورد صداگیری منطبق نیستند. بنابراین شایسته است اعطای کمک احتمالی دولت به مالکان این قبیل ساختمانها - به ویژه به مدیریتهای خانه‌های سازمانی با اجاره ارزان - به منظور تطبیق آنها با معیارهای قانونی، مورد مطالعه قرار گیرد.

**توصیه شماره ۲۸-** اجتناب از کلان‌سازی واحداث ساختمان‌های بزرگ در کلیه مؤسسات عمومی از قبیل اداره‌ها، بیمارستانها، دانشگاهها، مدارس، دادگاهها و زندانها.

### در زمینه فرهنگ زدایی:

**توصیه شماره ۲۹** - چاره‌اندیشی برای کاهش موارد مهاجرت و جلای وطن و موطن و نیز حفظ محیط اطراف، و فرهنگ انسان برای او؛ در این مقوله، کمیته مطالعاتی اقدامهای زیر را توصیه می‌کند:

- مقاومت در برابر رویه متداول تراکم صنایع در يك محل، زیرا این امر در گذشته عمدتاً به لحاظ محل استقرار معادن و دشواری حمل‌ونقل منبع اصلی انرژی یعنی زغال سنگ و مواد اولیه اصلی، توجیه‌پذیر بوده‌است، این عادت، علی‌رغم از بین رفتن علل مربوطه (پیدایش خطوط انتقال برق، لوله‌های انتقال گاز و نفت، کانالهای بزرگ و بزرگراهها)، کماکان وجود دارد؛

- در سیاستهای عمرانی، باید بر این اصل که کار و اشتغال باید به سمت جمعیتها و مردم ذینفع هدایت شود و نه این که فقط مردم به سمت محل کار سوق داده‌شوند، تأکید گردد؛

- نیروی کار محلی را به‌منظور انطباق آن با کاربردهای جدیدش، باید در محل مربوط، تربیت کرد و آموزش داد؛

- ساخت کارخانه‌های ایجادکننده مشاغل محلی در مناطق توسعه نیافته و محروم، باید مورد تشویق قرار گیرد؛

- توسعه و گسترش واحدهای صنعتی و خدماتی با اندازه متوسط (در قالب قراردادهای مدرنیزه کردن و قراردادهای توسعه) تحریض و تشویق شود؛

- زمینه تجزیه مراکز صنعتی متراکم به مؤسساتی با ابعاد معقول؛

**توصیه شماره ۳۰** - مطالعه راه‌حلهای خاص تجدید آثار پدیده مهاجرت - در وضعی که این پدیده اجتناب‌ناپذیر باشد - و همچنین مساعد کردن زمینه اتخاذ اعمال اقدامهای جذب، ادغام و همگونی اجتماعی افراد.

### در زمینه موقعیتهای برتر (غالب) و سوء استفاده:

**توصیه شماره ۳۱-** تعمیم و تسری مجازاتها به سوء استفاده‌های مرتبط با موقعیت اقتصادی غالب و تشدید افشاء عمومی این سوء استفاده‌ها و مجازاتی که در عمل برای آنها تعیین شده و اعمال می‌شود.

**توصیه شماره ۳۲-** اولویت دادن رجوع به داوری سریعتر و با تضمین بهتر، به طوری که توسل به خشونت را در اختلافات مربوط به کار کاهش دهد.

**توصیه شماره ۳۳-** اعمال مجازات شدید برای خودسری و خودکامگی اداری، تجاوز از حدود اختیارات، صدمات، عدم رعایت قوانین و مقررات در ادارات، عدم اجرای تصمیمهای قضایی [خشونت نهادی]؛ به وجود آوردن امکان شکایت برای افراد به نحو بسیار سریع و در عین حال وسیع.

**توصیه شماره ۳۴-** چاره‌جویی برای رفع بی‌نظمی‌ها و نابهنجاری‌ها در ارائه خدمات در کلیه ادارات (مانند کندی، بی‌نام رفتار کردن، بی‌مسئولیتی و محرمانه عمل کردن)؛ تسهیل زمینه مشارکت ارباب رجوع در اخذ بعضی تصمیمهای اداری (مثلاً در مورد محل‌های ایجاد بزرگراهها، تنظیم مدارک و اسناد شهرسازی)؛ واقعی‌تر ساختن امر انتشار و علنی کردن تصمیمها و اقدامهای اداری.

**توصیه شماره ۳۵-** دشوارتر ساختن استفاده نادرست از مقررات مبهم یا تحریف متون [قانونی و رسمی] توسط افراد بی‌وجدان، از طریق:

— اطلاع‌رسانی عینی و بی‌طرفانه به افکار عمومی در مورد اعمال مذکور؛

— آسان‌سازی مقررات، روشن‌سازی متون، اصطلاحات و واژه‌های به‌کار

برده‌شده و نحوه ارائه و انشای آنها؛

— آموزش مردم به منظور برانگیختن مراقبت و مواظبت آنها.

### در زمینه بزهکاری نیرنگ‌آمیز:

**توصیه شماره ۳۶-** دشوار ساختن ارتکاب جرایم نیرنگ‌آمیز از نظر مادی.

از جمله، کمیته توصیه‌های زیر را انشاء می‌کند:

- آموزش مردم از طریق اطلاع‌رسانی در مورد شیوه‌های بیش از پیش نوین این

نوع جرایم؛

- بهبود ایمنی وسایل پرداخت؛

- وضع مجازات خاص در زمینه «نماینده‌گی ناقص» در معاملات [یعنی موردی که

فرد در ظاهر به نام خود معامله می‌کند، لیکن در واقع این معامله برای شخص دیگری

است]، به منظور اجتناب از انجام فعالیت‌هایی که در واقع بدنه بزهکاری حيله‌آمیز را

تشکیل می‌دهند؛

- جلوگیری از ایجاد مؤسساتی که وسیله فعالیت متقلبانه محسوب می‌شوند؛

- نزدیک کردن روابط دادسرا با مراجع کنترل شرکتها (به‌ویژه با حساب‌برسان

مالی) به‌منظور نظارت بهتر بر عملیاتی که ممکن است مظنون به نظر آید.

**توصیه شماره ۳۷-** افزایش عواقبی که در انتظار بزهکار است، مانند مجازات،

سرکوبی کیفی سریعتر، انطباق مجازاتها و بالابردن احتمال محکومیت. به‌ویژه:

- ممنوعیت‌های شغلی برای یک بزهکار؛

- اعمال حقوقی که دادگاه‌های تخصصی برای مجازات بزهکاران نیرنگ‌آمیز

ایجاد می‌کند؛

- تغییر سیستم‌های جریمه (برقراری تناسب میان جریمه با میزان مبلغی که

موضوع جرم بوده است)؛

- وضع یک جرم با عنوان «سازمان دادن غیرواقعی و صوری عجز و ناتوانی مالی

در پرداخت دین» برای مبارزه با بدهکاران سوء نیت‌دار.

### در زمینه حمایت از خانواده:

**توصیه شماره ۳۸-** ارائه اطلاعات به والدین و پدران و مادران آینده از طریق اشخاص یا انجمنهای تخصصی، رادیو یا تلویزیون، در مورد عناصر ضروری تربیت (مانند اهمیت کودکی، رابطه پدر - مادر - کودک، پیچیدگی دوره نوجوانی) و اشتباهاتی که نباید مرتکب شوند.

**توصیه شماره ۳۹-** توسعه، اقتصاد خانواده و تلاش برای سازمان‌دهی هماهنگ و مؤثر زندگی خانوادگی، به‌منظور برآوردن نیازهای خانواده و هر یک از اعضای آن در ارتباط با جامعه.

**توصیه شماره ۴۰-** تسهیل ترتیبات جدید برای ساعات کار و عملی ساختن کار نیمه‌وقت، به ویژه با این هدف که مادرانی که مایل باشند، بتوانند وقت بیشتری را به زندگی خانوادگی اختصاص دهند و نیز امکان انتخاب کار تمام‌وقت یا کار نیمه‌وقت برای مستمری‌بگیران، در چارچوب شرایط معین مطالعه شود.

انتخاب راه‌محل‌های متعدد، به‌منظور سازش دادن تکالیف کاری والدین با حفظ رشد عاطفی کودکان، باید در دسترس خانواده‌ها قرار داده‌شود.

### در زمینه رسانه‌های گروهی:

**توصیه شماره ۴۱-** در قلمرو رسانه‌های گروهی، بررسی ارتباط بین خشونت و نمایش (فیلم، تئاتر، تلویزیون...) لازم است. خشونت واقعی، یعنی خشونت وقایع و حوادث مختلف در اخبار، اخیراً به وسیله گروه کاری «شاوانن» [که مأمور بررسی مسائل ناشی از خشونت برای اخبار بوده‌است] به‌طور کامل مورد مطالعه قرار گرفته‌است. کمیته در مجموع پیشنهادهای این گروه کاری را تأیید می‌کند.

بنابراین کمیته، قلمرو مطالعه و تأمل خود را به تأثیر خشونت تخیلی [که در سینما یا تلویزیون به نمایش گذاشته می‌شود]، به‌ویژه بر جوانان، محدود کرده‌است.



کمیته عمداً قلمرو رسانه‌های گروهی نوشتاری را - که البته تأثیر آن زیاد است - از حوزه کار خود خارج کرده‌است. مقررات قانونی خاصی بر رژیم مربوط به انتشارات (کتاب، روزنامه، مجله...) ویژه نوجوانان اعمال می‌شود. کمیته به ارائه پیشنهاد مبنی بر مطالعه وسایل مناسبی که اجازه بدهد مراجع موجود به‌طور مفید عمل کنند و راه‌حلهای پیشنهادی به‌طور مؤثر عملی شود، اکتفا می‌کند.

کمیته، در بررسی مسائل مختلف ناشی از رسانه‌های گروهی در دوره و فضای معاصر، همواره دل‌نگران احترام به آزادی بیان بوده‌است و علاقمند نیست که به اتخاذ تدابیری روی آورده شود که، به شکل کم‌وبیش متمایز، در واقع همان اقدامهای ممیزی (سانسور) باشد.

در جهت تلاش برای کاهش پدیده‌های عادت و خو گرفتن جوانان به خشونت، به‌نظر ضروری می‌رسد که شبکه‌های تلویزیونی مختلف، کوششهایی به‌منظور محدود کردن تعداد برنامه‌های خشن (فیلم، درام...)، به‌عمل آورند یا لااقل زمان‌بندی نمایش آنها را تغییر داده، به‌عقب بیندازند. این‌گونه برنامه‌ها باید در آخر شب به‌نمایش گذاشته‌شود. نیز این پیشنهاد باید قبل از هر چیز نسبت به برنامه‌هایی به‌اجرا درآید که صحنه‌های خشونت در آنها، در چارچوب وضعیتهایی آشنا و مأنوس برای کودکان و نوجوانان، یعنی در دنیایی که نزدیک به زندگی روزانه آنان است، جریان پیدا می‌کند. مطالعات مختلفی که در گزارش گروه کاری «حمایت از جوانان» به آن اشاره شده‌است، نشان داده‌اند که تماشاگران جوان از سکانسهای خشن این برنامه‌ها بیشتر متأثر می‌شوند تا از صحنه‌های صرفاً تخیلی: مانند فیلم‌هایی از نوع وسترن...

**توصیه شماره ۴۲** - مطالعه امکان ایجاد یک کمیته مشورتی برنامه‌ریزی، برای هر شبکه تلویزیونی، به‌منظور مساعد کردن زمینه اجرای پیشنهاد قبلی. این کمیته باید مراقبت کند تا بینندگان از پیش در جریان محتوای فیلم‌هایی که به نمایش درخواهند آمد، قرار گیرند.

**توصیه شماره ۴۳-** پیش‌بینی امکان احیاء و شاید افزایش اختیارات شهرداران، در زمینه نمایشهای عمومی در چارچوب اختیارات انتظامی آنان، به‌منظور انطباق محدودیتها در نمایش فیلمهای خشونت‌آمیز با حساسیتها و اوضاع و احوال محلی، به‌ویژه با مسائلی که جوانان یا بعضی گروههای جوان در يك بخش یا شهر معین، ممکن است ایجاد کنند. این پیشنهاد مستلزم آن است که نظرات کمیسیون ملی کنترل فیلمهای سینمایی به آگاهی عموم برسد.

معدلك از آن‌جا که این پیشنهاد به یکی از آزادیهای عمومی اساسی، یعنی آزادی بیان، مربوط می‌شود، باید به‌طور عمیق و کامل به‌منظور تفکیک و ارزیابی کلیه پیامدهای آن، مطالعه شود.

**توصیه شماره ۴۴-** در نظر گرفتن اجرای بیشتر تصویب‌نامه قانونی شماره ۲۸-۵۹ مورخ ۵ ژانویه ۱۹۵۹ و دستورالعمل ۱۷ ژوئیه ۱۹۵۹ به‌منظور انطباق امر حمایت از جوانان با اوضاع و احوال و مسائل محلی. این‌متن‌ها در واقع به استاندارد اجازه می‌دهد تا پس از مشورت با شهردار و کمیسیون متشکل از - به‌ویژه - يك قاضی اطفال و مدیر اداره اقدام‌های بهداشتی و اجتماعی استان، ورود صغار را به بعضی مؤسسات و بنابراین به سالنهای سینما - زمانی که نمایش مضر به‌سلامتی و اخلاق آنان است - ممنوع کند.

### در زمینه می‌بارگی (الکلیسم) و پزشکی:

**توصیه شماره ۴۵-** پیشگیری شدیدتر از می‌بارگی (اعتیاد به الکل) که ظهور و بروز خشونت غالباً به آن مربوط است. مراکز تحقیقات و مراکز تجزیه و تحلیل باید در جهت گسترش وسایل پیشگیری و روشهای درمانی مدرن تشویق شوند. امکانات و وسایل کمیته عالی ویژه مبارزه با می‌بارگی باید در این جهت گسترش یابد و توصیه‌های آن بهتر دنبال شود و به‌نتیجه رسد.

**توصیه شماره ۴۶-** در این دورنما، اجرای کامل الکل‌سنجی (تست الکل) [رانندگان] که قانون پیش‌بینی کرده‌است - با تجهیز واحدها و مراجع مربوط به وسایل لازم برای اجرای آن - ضروری‌اند.

**توصیه شماره ۴۷-** روزآمد کردن، بهبود بخشیدن و توسعه مقررات پیش‌بینی شده در قانون ۱۹۵۴ در خصوص می‌بارده‌های (معتادان به الکل) خطرناک.

**توصیه شماره ۴۸-** اطلاع‌رسانی بهتر در مورد می‌بارگی به‌عنوان یک عامل جرم‌زا: این اطلاع‌رسانی باید شامل دانش‌آموزان دبستان نیز بشود. اطلاع‌رسانی تخصصی نیز ممکن است برای مربیان متخصص در پیشگیری، در طول دوره تحصیلی آنان در نظر گرفته شود.

**توصیه شماره ۴۹-** اجرای دقیقتر مقررات آگهیهای تجاری مربوط به نوشابه‌های الکلی در همه قلمروها.

**توصیه شماره ۵۰-** تکمیل آموزش اولیه بعضی حرفه‌ها درباره آنچه به بزهکاری یا رفتارهای خشونت‌آمیز مربوط می‌شود. به پزشکان عمومی آینده باید آموزش آسیب‌شناسی روانی داده‌شود. این آموزش باید شامل مطالعه رفتارهای خطرناکی گردد که ناشی از اختلالهای روانی است. آموزش مذکور که طی چند سال و به‌طور متناوب در قالب کلاسهای درس یا به‌صورت بالینی ارائه می‌شود با آشنایی با متون پایه درباره پیشگیری اجتماعی کامل می‌گردد.

در چارچوب آموزشهای فوق دانشگاهی که دولت برگزاری آنها را تسهیل می‌کند، پزشکان عمومی شاغل نیز می‌توانند آموزش عمیقتری در زمینه آسیب‌شناسی روانی ببینند.

**توصیه شماره ۵۱-** آموزش آسیب‌شناسی اجتماعی، روانپزشکی قانونی و جرم‌شناسی به روان‌پزشکان. مناسب است که نحوه استفاده سیستم قضایی از اقدامهای حمایتی از بیماران روانی [در تصمیمات و احکام دادگاهها] به آنان بهتر شناسانده و معرفی شود.

**توصیه شماره ۵۲-** مطلع کردن کلیه اشخاصی که در اعمال و اجرای عدالت کیفری دخالت دارند، از نتایج تحقیقات جرم‌شناختی، در حین تحصیل یا در پایان دوره تحصیلی آنان [یا در حین خدمت].

### در زمینه حمایت از جوانان:

**توصیه شماره ۵۳-** تشویق و حمایت از خلق آثار خودجوش گروه‌های جوان، در صورتی که این آثار به اندازه کافی سنجیده و واقع‌گرا باشند، بویژه از طریق، مساعد کردن زمینه ایجاد و گسترش انجمنهای مطه.

**توصیه شماره ۵۴-** افزایش دادن مشارکت جوانان در انتخاب و سازماندهی اوقات فراغت: انعطاف‌پذیر کردن مقررات مربوط به ساخت خانه‌های جوانان و مقررات حاکم بر سازمان و تشکیلات آن، به منظور اجتناب از توقف ابتکارات.

**توصیه شماره ۵۵-** گشودن درهای نهادهای اجتماعی - فرهنگی بر روی جوانان به نحو گسترده‌تر. در این خصوص لازم است که به بعضی رویه‌ها، مانند شرط سنی یا افزایش حق ورود، به نهادهای مذکور، ایراد گرفته شود و فعالیت‌هایی در این قبیل نهادها ترتیب داده شود که از رسمیت کمتری برخوردار باشد تا ضرورتی برای رفت‌وآمد و مراجعه خیلی منظم و مرتب جوانان نباشد.

**توصیه شماره ۵۶-** اجتناب از اعمال سیاست‌گزینشی محض و قهرمان‌پروری در زمینه ورزش که منجر به کنار رفتن کسانی می‌شود که نمی‌توانند در تمرینات فشرده شرکت کنند. مناسب است که انجمنهای ورزشی محلی را که متشکل از افراد داوطلب است و وسیله مطلوبی برای گسترش روابط اجتماعی محسوب می‌شود، تشویق و حمایت کرد.

**توصیه شماره ۵۷-** تکمیل آموزش مربیانی که در زمینه پیشگیری تخصصی به‌کار مشغول خواهند شد، از طریق آشنا کردن عمیق آنان به محیط‌هایی که شدیداً

«حاشیه‌ای» هستند: مثلاً با برگزاری دوره‌های کارآموزی، تحت نظر مربیان مجرب در زمینه پیشگیری.

**توصیه شماره ۵۸-** گشودن باب استخدام مربیان پیشگیری و تعمیم آن، از یک سو، برای افراد مجربی که قبلاً فعالیتهای اجتماعی یا فعالیتهای مرتبط با امور اجتماعی داشته‌اند و از سوی دیگر، برای بعضی از جوانانی که از محیطهای [خانواده‌های] حاشیه‌ای هستند، لیکن غالباً در ایجاد تحرك و جنب‌وجوش مؤثرند.

**توصیه شماره ۵۹-** سازماندهی و طبقه‌بندی و ارتقای شغلی مربیان پیشگیری. يك مربی در زمینه پیشگیری نمی‌تواند در طول تمام زندگی، فعالیت خود را با کارایی و پویایی انجام دهد، ضروری است که «ارتباطات» و امکانات جذب او در مشاغل اداری یا مرتبط با امور اجتماعی تضمین شود.

**توصیه شماره ۶۰-** ترغیب امر تشکیل گروههای چند نظامه (چند بُعدی) و دارای تخصصهای مختلف در زمینه پیشگیری. مشکلات کار پیشگیری سبب می‌شود که تشکیل چنین گروههایی مشتمل بر مربیان، روانشناسان و غیره قویاً توصیه گردد.

**توصیه شماره ۶۱-** مساعد کردن زمینه مشورت و تبادل نظر آموزشی نزدیکتر بین گروههای مختلف پیشگیری که در يك بخش جغرافیایی - مثلاً مجتمعهای مسکونی، شهر و استان - به فعالیت مشغولند.

**توصیه شماره ۶۲-** برقراری و ایجاد هماهنگی مؤثر بین اداراتی که در امر پیشگیری دخالت دارند.

**توصیه شماره ۶۳-** تأمین بودجه و منابع مالی انعطاف‌پذیرتر برای انجمنهای پیشگیری: می‌توان به‌جای نظام کنونی «روزمزدی»، اکرنه يك نظام مقطوع، لااقل اختصاص وجوهاتی خاص را همراه با نظارت دقیق جایگزین کرد.

**توصیه شماره ۶۴-** حساس کردن دادسراها نسبت به ضرورت احاله هرچه بیشتر پرونده‌های کیفری مربوط به صغار، به قاضی اطفال، که تنها قاضی واقعاً متخصص در زمینه حمایت قضایی از جوانان است.

**توصیه شماره ۶۵-** گسترش واحدهای ارشادی و تربیتی که در معیت معاونان دادستانها و قضات تحقیق ذیصلاح در پرونده‌ها و جرایم مربوط به صغار، به فعالیت مشغولند. هر جا که چنین واحدی وجود داشته باشد، نقش مهمی ایفا می‌کند مثلاً، کاهش دادن تعداد بازداشتیها در پرتو ارائه راه‌حلهای تربیتی مناسب.

**توصیه شماره ۶۶-** سازماندهی در امر مشورت و تبادل نظر منظم و مکرر در سطح استان، بین قضات اطفال و نمایندگان اداره اقدام‌های بهداشتی و اجتماعی [نوعی سازمان بهزیستی] به منظور اجتناب از مداخلات نامنظم مددکاران اجتماعی در خانواده‌های مشابه.

**توصیه شماره ۶۷-** در موردی که صغیر در اداره امدادرسائی به اطفال استان نگهداری می‌شود، این امکان برای قاضی اطفال پیش‌بینی شود که بتواند دستور اعمال یک اقدام تربیتی در محیط آزاد را نسبت به آن صغیر صادر نماید.

**توصیه شماره ۶۸-** محدود کردن اقدام‌های پلیس یا ژاندارمری [نیروهای انتظامی] در زمینه پیشگیری فردی به مداخلات مقطعی. مقامهای اداری یا قضایی باید، به محض این‌که اقدام پلیس یا ژاندارمری از مدت معینی تجاوز کند، در جریان آن قرار داده‌شوند.

**توصیه شماره ۶۹-** مجهز کردن دادگاههای اطفال به امکاناتی که اهداف حمایت از صغار را تأمین کند، از جمله تمایل دادگاه را به اجتناب از زندانی کردن طفل برآورده‌سازد.

**توصیه شماره ۷۰-** تغییر عنوان قضاتی که مأمور به دادگاههای اطفال هستند. بدین ترتیب قاضی اطفال تبدیل به «قاضی جوانان» می‌شود.

**توصیه شماره ۷۱-** افزایش تعداد قضات ویژه جوانان؛ ثبات شغلی بیشتر برای آنان و تقویت آموزش اولیه و آموزش مستمر ضمن خدمت نامبردگان.

**توصیه شماره ۷۲-** افزایش شمار مربیان در جهت رعایت قواعد مربوط

به اقدامات تربیتی فردی و پیگیر و نیز رسیدن به تعداد قابل مقایسه با کشورهای همسایه. اکنون تعداد مربیان بسیار کم است.

**توصیه شماره ۷۳-** تنظیم و ترتیب تحصیلات اجباری به گونه‌یی که پذیرش [اجتماعی - شغلی] بی‌بضاعت‌ترین دانش‌آموزان تسهیل گردد:

- تحریک و تشویق علاقه دانش‌آموزان، کاهش دادن نقصها و کاستیهای اجتماعی - فرهنگی دانش‌آموزان.

- تضمین آموزش پیش‌حرفه‌ای یا قبل از شغل [آموزش حرفه‌ای] که حتی المقدور با شرایط و نیازها منطبق باشد، در این خصوص، کمیته جهت‌گیریهای زیر را پیشنهاد می‌کند:

**توصیه شماره ۷۴-** افزایش دادن علاقه دانش‌آموزان به تحصیلاتی که برای آنان در نظر گرفته شده‌است. کمیته علاقه دانش‌آموزان را به شرکت در امور مؤسسات آموزشی احراز کرده‌است. کمیته به ضرورت تربیت عمیقتر روان‌شناختی - آموزشی آموزگاران آگاهی پیدا کرده‌است، به شرطی که این آموزش اجازه دهد تا به نیاز گفتگو [دیالوگ] احساس شده توسط دانش‌آموزان، بهتر پاسخ داده شود. بالاخره، جوانان دانش‌آموز یا دانشجو علاقه دارند که ارتباط مدرسه و دانشگاه با دنیای خارج بازتر شود.

**توصیه شماره ۷۵-** تقلیل نقصهای (معلولیت‌های) اجتماعی - فرهنگی از طریق:

- تشخیص زودرس معلولیت‌های اجتماعی - فرهنگی در مدرسه:

- ارائه آموزش تقویتی، به طوری که زمینه «تحصیلات فردی شده تر» را فراهم کند:

- سبک کردن برنامه‌های درسی، برای این که آموزش در رشته‌های اساسی متمرکز شود:

- همچنین مناسب است که آموزگاران مستعدتر و آموزش‌دیده‌تری برای این نوع آموزشها به اطفال اختصاص داده شوند.

### توصیه شماره ۷۶- تضمین تربیت ماقبل حرفه‌ای منطبق با شرایط جوانان؛

به وسیله تدابیر مختلف، ممکن است به این هدف نایل شویم:

- تضمین مکمل آموزش تحصیلی به‌طور فردی شده، با آموزگاران که دوره آموزشی - تربیتی، فنی و روان‌شناختی مناسب را طی کرده‌باشند البته در کارگاههایی که به اندازه کافی مجهز باشند.

- نزدیک ساختن فعالیتهای جدیدی که در مدرسه انجام می‌شود با روشها و تجربه‌های حرفه‌ای، و گنجاندن امر آماده‌سازی اطفال و نوجوانان برای زندگی روزانه در برنامه تحصیلی؛

- برگزاری دوره‌های کارآموزی در مؤسسات (شرکتها) یا نزد صنعتگران، به‌طوری که زمینه آشنایی واقعی به پیشه‌های مختلف محسوب گردد؛ افزایش دوره‌های کارآموزی در مؤسسات عمومی؛

**توصیه شماره ۷۷- امکان صدور مجوزهای معافیت استثنایی از تکلیف و اجبار تحصیلی (تحصیلات اجباری) برای دانش‌آموزانی که از چهارده سالگی به بعد، دیگر تحصیلات درسی کلاسیک را تحمل نمی‌کنند؛ در عوض، این قبیل دانش‌آموزان، باید دوره آموزش تحصیلی تکمیلی مناسب با شرایط خود را طی کنند.**

اختیار مطلق صدور چنین مجوزهایی باید به مسئولان مؤسسات تربیتی - مراقبتی که این قبیل نوجوانان در آنها نگهداری می‌شوند، تفویض شود.

### در زمینه امنیت بناها و ساختمانها:

**توصیه شماره ۷۸- تعیین و تنظیم مقررات خاص پیشگیری از خشونت که باید در زمان ساخت مجتمعهای مسکونی یا بناهای عمومی [مانند سالن‌های سینما و تئاتر، سالن‌های ورزشی، ورزشگاهها، ...] رعایت گردد. مشورت و تبادل نظر نزدیک با صاحبان مشاغل مختلف و واحدهای اداری ذینفع در این خصوص صورت گیرد.**



تعمیم صلاحیت ادارات حفاظت غیرنظامی به این وظیفه (مأموریت) جدید در زمینه تأمین امنیت.

**توصیه شماره ۷۹** - تأمین و تقویت روشنایی کوچه‌ها و خیابانها و سایر وسایل و روشهایی که هدفشان بهبود رؤیت‌پذیری [در شب] است.

### در زمینه پلیس:

**توصیه شماره ۸۰** - مطالعه به منظور تعیین تعداد حداقل نیروهای پلیس که برای تأمین و تضمین نیازهای شهروندان در زمینه امنیت، ضروری است. در واقع به نظر می‌رسد که امروز پلیس در بعضی مناطق به اندازه کافی حضور ندارد، به ویژه، در حاشیه شهرهای بزرگ.

مطالعه در جهت امکان گسترش نیروهای پلیس و ژاندارمری: افزایش نیروهای ژاندارمری از طریق استفاده از سربازان وظیفه‌یی که داوطلب خدمت به‌عنوان «ژاندارم کمکی» یا «دستیار ژاندارم» هستند؛ بالا بردن سقف جمعیت شهرهایی که ژاندارمری مسؤل تضمین امنیت آنهاست - این سقف امروزه ده‌هزار نفر است؛ افزایش تراکم نیروهای امنیتی در ناحیه‌های جدید شهری که هم‌اکنون عدم حضور آنها در این نواحی شدیداً محسوس است.

**توصیه شماره ۸۱** - ایجاد جایگاههای (پاسگاههای) کوچک محله‌ای در شهرها (به‌جای پاسگاههای مرکزی پلیس) و توسل به روشهایی برای گماردن مأموران نواحی و محله‌ها جهت حفظ نظم (ایلوئاژ). در این مورد، نتایج رضایتبخش حاصل از استقرار بسیار نامتمرکز جوخه‌های سرزمینی [گروههای محلی] ژاندارمری را باید یادآوری کرد.

در این دورنما، پیش‌بینی جایی خاص برای ادارات پلیس در نقشه‌های محلات جدید و در دست احداث ضروری می‌نماید.

**توصیه شماره ۸۲-** تلاش برای تحقق کارایی نیروها؛ امری که باید منجر به کوششهایی شود در زمینه تجهیز نیروهای مختلف به ابزارها و وسایلی که با مأموریت‌های خاص آنها انطباق بهتری داشته باشد.

**توصیه شماره ۸۳-** بهبود روابط میان پلیس و شهروندان:

- توسعه اطلاعات شهروندان در مورد اقدامهای پلیس و محدودیتها و موقعیتهایی که این نیرو با آنها مواجه است و نیز گسترش اطلاع‌رسانی نسبت به موارد، سوء استفاده پلیس، به مناسبت انجام عملیات انتظامی و مأموریت‌های محوله.

- تعمیق آموزش حرفه‌ای و مدنی - اجتماعی کارکنان و مأموران پلیس، اولویت بخشیدن به آموزش و رعایت ضرورتها و ضوابط مربوط به وظیفه آنان در زمینه امنیت و رفتار آنان با مردم، به‌هنگام طی دوره‌های آموزشی یا بازآموزی حین خدمت.

**در زمینه نهادهای قضایی:**

**توصیه شماره ۸۴-** تأمین و تضمین شناخت بهتر از اهداف و طرز کار

نهادهای قضایی:

**برای جوانان:**

- وارد کردن اطلاعات اولیه درباره تسهیلات و طرز عمل دستگاه قضایی در برنامه‌های تحصیلی (قبل از پایان دوره تحصیلات اجباری).

- ترغیب برقراری تماسها، در چارچوب برنامه ۱۰٪ تعلیماتی، با کلیه حرفه‌هایی که در کار و حیات دستگاه قضایی مشارکت دارند.

**برای ارباب رجوع:**

تأسیس و تعمیم دفترهای پذیرش و راهنمایی در حوزه‌های قضایی و تجهیز آنها به امکانات و وسایل کافی برای اقدام. این دفترها، واحدهای مشاوره حقوقی نیستند،

لیکن ممکن است با توسعه آنها، خدمات اطلاع‌رسانی نیز ارائه دهند، امری که بعضی شهرداریها اکنون به آن مبادرت نموده یا در نظر دارند در سطح شهرها یا محله‌ها به آن مبادرت ورزند.

### برای همه شهروندان:

- پاسخگویی به نیاز شهروندان در زمینه دادن اطلاعات، به مناسبت دعاوی و پرونده‌های معین، نه فقط در خصوص دعوی و پرونده مطروحه، بلکه به‌طور کلی‌تر در مورد طرز کار نهادهای قضایی؛

- بازبینی مقررات حاکم بر سرّی بودن تحقیقات، درعین رعایت حق دفاع برای متهم.

**توصیه شماره ۸۵-** ایجاد و سازماندهی یک هیأت یا واحد کلی سازش و مصالحه، در ارتباط با دادگاههای بدایت، که توسل به آن برای طرفین دعوی جنبه اختیاری داشته‌باشد، با هدف اجتناب از این که اختلافهای کوچک روزمره تا آن اندازه بزرگ نشود که باید در دادگاههای کیفری مورد رسیدگی قرارگیرد.

**توصیه شماره ۸۶-** افزایش تعداد کارکنان پلیس ملی که مأمور به خدمت در پلیس قضایی هستند. این تعداد در شرایط کنونی کافی نیست. لازم است که تعداد مأموران و افسران پلیس قضایی افزایش داده شود. بدین منظور، باید آموزش حرفه‌ای خاص آنها گسترش یابد و مدت لازم برای دستیابی آنان به این مسئولیتها کمتر شود.

**توصیه شماره ۸۷-** ترغیب و تشویق دادستانها به فعال و هماهنگ کردن کاملتر

اقدامهای پلیس قضایی که نظارت بر آن را قانون به آنها محول کرده‌است.

بویژه ضروری است دادستانها در چارچوب همکاری واحدهای مستقل که مداخله

همزمان پلیس اداری و قضایی را ایجاب می‌کند، با هماهنگی با استانداران، طرحهای

اقدام را [برای موارد ارتکاب خشونت‌های شدید] از پیش ترسیم و معین کنند.

### در زمینه همکاری بین‌المللی:

**توصیه شماره ۸۸-** تقویت همکاری بین‌المللی در قلمرو پیشگیری از بزهکاری و مبارزه علیه جرایم خشونت‌آمیز از طریق گسترش ساز و کارهای معاضدت قضایی و استرداد.

کوشش در زمینه همکاری بین‌المللی باید، در عین رعایت حق پناهندگی و حقوق پناهندگان سیاسی که فرانسه به‌طور سنتی آن را به رسمیت شناخته است، ادامه یافته و تشدید شود، بویژه:

- در سطح جهانی، با ترغیب تحقیقات و مطالعاتی که سازمان ملل متحد پیرامون مبارزه علیه اعمال تروریستی و گروگانگیری انجام می‌دهد؛

- در سطح منطقه‌یی، از یک سو، با تسریع امر تصویب معاهده راجع به سرکوبی کیفری تروریسم که هفده دولت عضو شورای اروپا<sup>۱</sup>، از جمله فرانسه، در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۷ آن را امضاء نموده‌اند؛ و از سوی دیگر، با فعال کردن مطالعات آغاز شده در نه کشور عضو جامعه اروپا<sup>۲</sup> مطابق با تصمیمهای کمیته اروپایی ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۶، برای تنظیم معاهده جدیدی که آیین و تشریفات ساده استرداد را در زمینه اعمال خشونت‌آمیز شدید بین نه عضو مزبور برقرار نماید.

**توصیه شماره ۸۹-** مطالعه راجع به شرایطی که طی آن، عایدات و درآمدهای حاصل از اعمال مجرمانه، از تعقیب پلیسی و قضایی مصون می‌ماند و متعاقب آن، وارد جریان و گردش اقتصادی (سالم) می‌گردد.

به‌ویژه در قبال جرایم سوذجویانه بزرگ، ضروری است که بتوان عایدات ناشی از بزهکاری را که در فرانسه [یا در خارج آن] مخفی شده‌باشد، مصادره یا به بزه‌دیدگان مسترد نمود.

۱- اعضاء شورای اروپا اکنون به حدود چهل کشور رسیده‌است. پانزده کشور عضو جامعه یا اتحادیه اروپا نیز عضو این شورا می‌باشند.  
 ۲- این تعداد امروزه به پانزده کشور رسیده‌است، و قرار است در سال جاری میلادی (۱۹۹۸) به حدود بیست و پنج کشور برسد.

مطالعه پیشنهادی باید در ارتباط هماهنگی با نهادهای مأمور مبارزه با جرم در سایر کشورهای اروپایی انجام شود.

### در زمینه نظام (سیستم) کیفری:

**توصیه شماره ۹۰-** تعقیب تلاشهای آغاز شده از چند سال پیش، به منظور ایجاد کیفرهای جدید که بتوانند جایگزین بعضی کیفرهای سالب آزادی بشود. بدین منظور، ایجاد کیفرهایی باید در نظر گرفته شود که اجرای آنها، با قبول محکوم علیه، مشتمل بر انجام موقت يك کار یا فعالیت به نفع و در خدمت جامعه خواهد بود.

همچنین امکان ایجاد کیفرهای سالب حقوق و منع اشتغال به این یا آن فعالیت باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، بدون این که ذینفع (محکوم علیه)، وسایل و ابزار معاش خود را از دست بدهد.

همچنین، موارد ضبط و توقیف - با رعایت حقوق اشخاص ثالث و به ویژه حقوق خانواده ذینفع - باید بازبینی شده، حتی افزایش یابد.

**توصیه شماره ۹۱-** افزایش اختیار دادگاهها در انطباق جزایهای نقدی با وضعیت دارایی بزهکار و عایدات حاصل از جرم:

- بالا بردن حداکثر قانونی بعضی از این مجازاتها، زیرا حداکثر موجود، امروزه دیگر کافی به نظر نمی رسد؛

- تهیه فهرستی برای میزان جزایهای نقدی؛

- فراهم کردن زمینه امکان شناخت بهتر و اطلاع بیشتر دادگاهها از وضعیت دارایی متهمان، به ویژه با تهیه و درج مدارك مربوط به این وضعیت مالی در پرونده کیفری؛

**توصیه شماره ۹۲-** فراهم کردن امکان صدور حکم منع تملك یا داشتن اسلحه - از هر نوعی که باشد - برای دادگاهها؛

امروزه تملك يا نگهدارى سلاحهاى شكارى، جنگى و تزيينى، آزاد است. حال آن‌كه اين قبيل سلاحها ممكن است براى ارتكاب اعمال خشونت‌آمیز و بسيار خطرناك، مورد استفاده قرار گيرند. بنا بر اين ضرورى است كه تملك و نگهدارى آنها موكول به اعلام قبلى شود. افزون بر اين، تملك چنين سلاحهايى توسط كسانى كه قبلاً به لحاظ اعمال خشونت‌آمیز محكوم شده‌اند، بايد موكول به اجازه قبلى گردد.

**توصيه شماره ۹۳-** فراهم كردن اين امكان براى دادگاهها كه بتوانند در احكام خود نسبت به جوانان بالغ بزهكار، تصميمات تربيتى مشابه با تصميماتى كه دادگاههاى اطفال مى‌توانند اتخاذ كنند، پيش‌بيني نمايند.

**توصيه شماره ۹۴-** نو كردن نظام جرايم كيفرى (جرم‌انگاريهاى موجود) با توجه به تحول آداب و رسوم و برآورد و ارزيايى خشونت [تجديدنظر در جرايمي كه در مجموعه قوانين پيش‌بيني شده‌است و اعمال مكانيزم جرم‌زداييى از بعضى اعمال مجرمانه كه ديگر با تقبيح اجتماعى مواجهه نيست].

اين اصلاح اساسى، براى اين‌كه عدالت كيفرى بتواند همان‌طور كه وظيفه‌اش مى‌باشد به درجه‌بندي ارزشهاى شناخته شده كمك كند، ضرورى است.

**توصيه شماره ۹۵-** ايجاد تنوع اوصاف مجرمانه مورد مطالعه قرار گيرد؛ ضرورى است كه، حتى المقدور، قانون جزا اعمال بسيار ناهماهنگ و متفرق را تحت عناوين واحد، جمع نكند، بدين معنى كه اوضاع و احوال ملموس جرايم، شدت واقعى آنها و رفتار مباشران جرم را مورد توجه قرار دهد.

اين تنوع اجازه مى‌دهد كه يك وصف بسيار ننگ‌آور و رسوا، به‌اعمالى داده نشود كه مستلزم شدت عمل كيفرى زيادى نيست (مثلاً بعضى اشكال ربودن مال غير...، بعضى اظهارات نادرست...).

### در زمينه كارشناسى:

**توصيه شماره ۹۶-** به‌معايه روانى بزهكاران اعتبار و كارآيى بايسته داده‌شود؛

بدین منظور، کمیته معتقد است که رعایت دقیق مفاد ماده ۶۴ قانون جزا [در مورد جنون و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری] ضروری است، ضمن این که مفاد ماده مزبور باید مورد بازبینی قرار گیرد [این ماده در قانون جزای جدید فرانسه مصوب ژوئیه ۱۹۹۲ اصلاح شده و به جای جنون به «اختلالات عصبی، مغزی و روانی» اشاره شده است].

- تنظیم فهرستی از معیارهای اولویت‌دار برای درج در لیست کارشناسان ضروری و مفید است، مشروط بر این که دوره‌های آموزشی مناسب روان - پزشکی و حقوقی را طی کرده باشند، و تدابیر لازم برای تضمین استقلال آنها اتخاذ گردد. تعداد کارشناسان فعال نیز باید به‌طور محسوس افزایش یابد. در این شرایط، انتخاب کارشناسان، خارج از لیستهای موصوف باید کاملاً استثنایی باشد.

**توصیه شماره ۹۷-** گسترش دامنه کارشناسیها به کلیه جرایم خشونت‌آمیز، حتی از نوع جنحه.

در زمینه جرایم جنایی، معاینه وضعیت ذهنی - روانی، باید در همان آغاز تحقیقات انجام شود؛ در عوض، معاینه پزشکی - روان‌شناختی باید تا آن جا که ممکن است از نظر زمانی نزدیک به زمان محاکمه صورت گیرد؛ زیرا موجب می‌شود که نیم‌رخ بزهکار در پرتو پرونده و اطلاعات کامل آن روشن شود.

**توصیه شماره ۹۸-** نو کردن شرایط فنی کارشناسی، به طوری که کارشناسان از همان امکانات برای تحقیقات و کارشناسی برخوردار باشند که در فعالیتهای حرفه‌ای روزمره خود در اختیار دارند. بویژه، کلیه معاینه‌ها و تحقیقات تکمیلی باید جزو آیین کارشناسی باشد.

تأسیسات فنی مناسب که ممکن است در «مراکز کارشناسی» تحت نظارت مقام قضایی متمرکز شوند، در اختیار کارشناسان قرار داده شود.

این مراکز که عمدتاً به تشخیص، برآورد و سنجش حالت خطرناک و میزان عدم

مسئولیت مباشران جرمها اختصاص داده می‌شود، با جمع‌آوری و ذخیره مستمر یافته‌ها و نتایج معاینات و کارشناسیها، موجب گسترش تحقیقات جرم‌شناسی و کیفرشناختی خواهد شد.

### در زمینه اعمال مجازاتها:

**توصیه شماره ۹۹-** مطالعه درباره انجام اصلاحات جدید، درخصوص محکومیت‌های کیفری سنگین، که به موجب آن، دادگاهی از همان نوع دادگاهی که حکم مجازات را صادر کرده‌است، صلاحیت اخذ تصمیم در مورد اعطای آزادی مشروط را دارا شود.

**توصیه شماره ۱۰۰-** افزایش تعداد قضات مسئول اجرا و اعمال مجازاتها؛ در واقع، حضور یکی از آنان در میان اعضای دادگاه، هنگامی که یک کیفر سالب آزادی برای جرم ارتكابی قانوناً پیش‌بینی شده‌است، مفید به نظر می‌رسد.

**توصیه شماره ۱۰۱-** آیین‌نامه مرخصی برای زندانیانی که به لحاظ اعمال مجرمانه شدید محکوم شده‌اند.

در قبال این‌گونه محکومان، مفید است که از دادستان شهرستان خواسته شود تا نظر خود را در مورد اعطای مرخصی به قاضی مسئول اجرای مجازاتها ارائه دهد. در صورت عدم توافق می‌توان موضوع را بلافاصله نزد یکی از قضات دادگاه استان (دادگاه پژوهش) که ممکن است خود رئیس دادگاههای استان یا نماینده او باشد، مطرح نمود.

بحثی که بدین ترتیب درمی‌گیرد ترافیعی خواهد بود و محکوم‌علیه یا وکیل مدافع او در آن حضور خواهد داشت.

**توصیه شماره ۱۰۲-** ایجاد مؤسساتی زندان مانند، با ابعاد کوچک و ساختارهای ساده و مستقل از زندانهای معمول. در این مؤسسات می‌توان به‌طور



مؤثری از شیوه زندانهای نیمه‌باز که امروزه به ندرت مورد توجه قرار می‌گیرد، استفاده کرد. وجود چنین مؤسساتی به دادگاهها این امکان را می‌دهد تا مجازاتهایی را که قابل تقسیم در طول زمان است، بیشتر اعمال کنند، و بالاخره امکان اعمال و اجرای کیفرهای حبس بسیار کوتاه‌مدت را فراهم می‌کند که ماهیتاً نقش يك ضربه (شوك) را ایفا می‌نماید که گاهی برای بزهکار ضروری است، بدون این‌که وی خوار شود یا در يك محیط جرم‌زا فرو رود.

اصلاحات زندانها که اکنون در دست انجام است نیز باید ادامه یافته و در مناسبترین مدت به پایان برسد.

### در زمینه کیفر مرگ:

**توصیه شماره ۱۰۳** - پیشنهاد لغو کیفر مرگ [در صورتی که قانونگذار چنین تصمیمی را که فقط در صلاحیت اوست اخذ کند] و جایگزین کردن آن با يك کیفر «تأمینی» که ممکن است در موارد زیر صادر شود:

- ربودن کودکان و گروگانگیری، زمانی که بزه‌دیده تسلیم نشود؛

- قتل هر شخصی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با واحدهای (ادارات) عمومی

همکاری می‌کند؛

- قتل شخصی که به لحاظ ضعف وی به عنوان بزه‌دیده انتخاب شده است؛

- تکرار جرایم «خونین».

این کیفر تأمینی طی يك مدت طولانی (که قانونگذار تعیین خواهد کرد) از زمان

صدور آن، مشمول هیچ نوع تغییر و تعدیل اداری یا قضایی واقع نخواهد شد.

کمیته، اصل لغو کیفر مرگ را به دنبال يك رأی‌گیری مخفی که طی آن شش رأی

موافق، سه رأی مخالف و دو رأی ممتنع به آن داده شد، تصویب کرد.

### در زمینه نهادها:

**توصیه شماره ۱۰۴-** ایجاد تشکیلات دایمی در سطح ملی که دارای یک ساختار نامتمرکز در سطح استانها باشد، به منظور هماهنگ، فعال و کارا تر کردن تلاشهای بسیار متفرق نهادهای مختلفی که امروزه مسئول پیشگیری از بزهکاری و خشونت هستند.

نخستین تشکیلاتی که بی تردید در نهاد نخست وزیری ایجاد شده و زیر نظر نخست وزیر کار کند، می تواند نمایندگان کلیه اشخاصی را که در امر پیشگیری نقش ایفاء می کنند در انجام رسالتهای خود سهیم نماید.

این تشکیلات که جنبه تأمل، تفکر و ترغیب خواهد داشت، امر پیشگیری را در بخشهای مختلف فعالیتهای اجتماعی برانگیخته و تشویق خواهد کرد، همچنین ابتکارها و خلاقیتها را تحریک نموده و برخواهد انگیزت، بعلاوه وظیفه دیگر آن، ارتقاء و پیشبرد تحقیقات در قلمرو مبارزه بر ضد خشونت و بزهکاری خواهد بود.

**توصیه شماره ۱۰۵-** به نظر می رسد که ساختار غیرمتمرکز در سطح استان، باید در جایی ایجاد شود که مسائل اصلی مربوط به هماهنگی مطرح می شود. این ساختار باید مراقب دل نگرانیهای مردم بوده و یک سیاست پیشگیری سازگار با واقعیتهای خاص بزهکاری در سطح محلی را مورد مطالعه قرار دهد.

این ساختار که ریاست آن را یکی از اعضاء آن بر عهده خواهد داشت، می تواند مرکب باشد از: رئیس شورای کل استان [که اعضاء آن با رأی مردم انتخاب شده و مسئول حل و فصل امور مربوط به استان است]، شهرداران مهمترین شهرها، استاندار، مقام قضایی، مسئولان پلیس و ژاندارمری، نمایندگان ادارات استان، شخصیتهای متخصص در مسائل مربوط به جرم، نمایندگان اشخاص حقوقی حقوق عمومی یا حقوق خصوصی علاقمند به مسائل پیشگیری از جرم، نمایندگان کانون و کلا و نمایندگان مطبوعات محلی.

## در شأن عدالت

این‌که می‌گویید «مردم برای دین قیام کردند» بسیار خوب می‌پذیریم و تصدیق می‌کنیم. حال به‌ما بگویید، دین برای چه قیام کرد و برای چه آمد؟ و برای انسان و زندگی چه خاصیتی می‌تواند داشت؟ و از نظر سیاست و مدیریت و اقتصاد و معیشت و اخلاق و تربیت و قضاوت و عدالت و معاشرت و سلوک و برخورد و برخورداری برخورداران و محرومیت محرومان، بود و نبودش چه فرقی می‌کند و چه تفاوتی دارد؟ آیا برای انسان جامعه، حاکم بودن یا نبودن دین چه فرقی دارد و ثمره وجودی آن در زندگی توده‌های وسیع از کاخها تا کوخها، از مراکز شهرها تا دورترین نقطه حیات انسانی، در کوچ‌نشینها و روستاهای دورافتاده چیست؟ دین برای چیست و برای چه هدفی آمده و تبلیغ شده‌است؟

در پاسخ این پرسش سنگین - که به‌اندازه حجم واقعیت، گران‌وزن است و هرآن‌با هزاران زبان در متن لحظه‌ها تکرار می‌شود و با صدای استخوانهای انسانهای خردشده و کرامت از دست داده و استثمار گشته و از زبان یتیمان و محرومان، مستضعفان و بینوایان، مستمندان و تحقیرشدگان، همه جا طنین می‌افکند - هیچ سخنی کوتاه‌تر و قاطع‌تر و گویاتر و درخشان‌تر از کلام قرآن کریم نداریم: **لِيقَوْمِ النَّاسِ بِالْقِسْطِ**. «دین آمد تا مردمان بر سر عدل ایستند و بر پایه عدل و داد زندگی کنند» و روشن است که همه چیز در سایه عدل جای دارد و در سایه عدل به‌دست

می‌آید. نماز نیز در جامعه عادل خوانده خواهد شد و برپا خواهد گشت. ما از مذهب خود نیز اطلاع درستی نداریم و ماهیت آن را درک نکرده‌ایم و تصور می‌کنیم مروج آنیم.

شاعر شیعی قدیم، محمد بن عبدالله حمیری می‌گوید:

ولا والله لاتزکو صلاه

بغیر ولایه العدل الامام

به‌خدا سوگند نماز در غیر حکومت عدل، نماز نیست

و این تحلیل در نهایت درست است، این روح قرآن، لبّ اسلام ثقلین و مذهب اهل بیت (ع) است و این همان است که پیشوای این شاعر آگاه، امام علی بن ابیطالب (ع) می‌گوید **حياة العدل الاحكام**، پس باید بازگردیم به کتاب خدا و بگوییم: ليقوم الناس بالقسط، دین برای زندگی در سایه عدالت است. و باید بازگردیم به هدایت ولی خدا علی (ع) و بگوییم **حياة العدل الاحكام**. عمل کردن همه، به احکام خدا، تنها در سایه عدالت میسر است. طفره رفتن، هیچ چیز را تغییر نمی‌دهد و سخنرانی کردن منهای اقدام نیز عمر گوینده و شنونده را بریاد می‌دهد.

برگرفته از محمدرضا حکیمی قیام جاودانه، ص ۱۶۲



### از دادرسیهای امام علی (ع)

دو زن در طفلی دعوی کردند و نزد علی (ع) آمدند و هر یک را سخن آن بود که این طفل از من است. حضرت فرمود: ذوالفقار مرا بیاورید تا این طفل را به دو نیم کنم که هر یک نیمی از او بگیرند و ترك نزاع کنند.

آن‌که مادر حقیقی بود بترسید که مبادا طفل او کشته شود، گفت یا امیرالمؤمنین، من از دعوی خود گذشتم و طفل را به‌این زن گذاشتم او را مکش و بدو سپار. حضرت حکم کرد که طفل از آن تست، بردار و به‌هرجا که خواهی ببر، آن زن طفل خود را گرفت و رفت.

از لطایف الطوایف ص ۲۵